

تأثیر کاربرد «تعارف» در پردازش شخصیت‌های داستانی

فرشته آهنگری¹

چکیده

مهمترین شگرد نویسندگی در پردازش شخصیت‌های داستان، عبارات و جملاتی است که از قول قهرمانان به قصد بیان غیرمستقیم دیدگاه نویسنده آورده می‌شود. جملات تعارف آمیز که نوعی هنجار گفتاری و رفتاری در شوون مختلف زندگی ایرانیان است در گفتگوهای داستانی کاربرد مؤثری در ایضاح شخصیت قهرمانان دارد. این عبارات و جملات با توجه به معانی ثانوی یا معانی فرا واژگانی خود، بیانگر دیدگاه، نیات، خاستگاه پرورشی و در کل نمایاننده چگونگی شخصیت قهرمانان داستان هستند. فارغ از آن که کاربرد و بسامد واژگان و عبارات و ساختار دستوری آنان به سبک خاص هر نویسنده باز می‌گردد استفاده عامدانه، بهنجار، و یا فراتر از حد معمول عبارات تعارف آمیز در گفتگوهای قهرمانان داستان می‌تواند به توصیف شخصیت قهرمانان یاری رساند و دیدگاه خواننده را نسبت به آنان تغییر دهد؛ به طور مثال به پیشداوری، همفکری، و یا رد و قبول خواننده در باب شخصیت قهرمانان منجر گردد. کاربرد عبارات تعارف آمیز، خط فارق و چراغ راهنمای نحوه مکالمات اجتماعی در ایران است که طبقه اجتماعی، علائق شخصی و هدف طرف گفتگو را نشان می‌دهد. این ویژگی‌ها به طور مستقیم در پردازش شخصیت‌های داستان و گفتگوهای میان آنان نمایان و مؤثرند.

پیشینه پژوهش: در خصوص موضوع "تعارف" تا کنون به زبان فارسی مقالاتی تألیف شده است، از جمله مقاله تعارف ایرانی تعارف انگلیسی¹، تعارف و فرهنگ آن نزد ایرانیان²، چرا خارجی‌ها تعارف فارسی را نمی‌فهمند³، و تعارفات زبان فارسی از دیدگاه علم بلاغت⁴، که تمام مقالات مذکور به بررسی ماهیت تعارف، چرایی و نحوه کاربرد آن در زبان فارسی پرداخته‌اند. اما در مقاله حاضر سعی شده برای نخستین بار نقش کاربرد تعارف در داستان بررسی شود که چه تأثیری در پردازش شخصیت قهرمانان داستان دارد.

روش تحقیق: در این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اسناد به‌دست‌آمده تحلیل و توصیف شده‌اند. در این جا لازم است متذکر شوم که نگارنده مقاله پس از مطالعه آثار بیش از چهل نویسنده از جمله جمالزاده، هدایت، علوی، چوبک، آل‌احمد، گلستان، دانشور، پرویزی، گلشیری، میرصادقی، محمود، ابراهیمی، دولت‌آبادی، بهرنگی، محمدعلی، روانی‌پور، پیرزاد، شجاعی و... تصمیم گرفت تا نقش کاربرد تعارف را در پردازش شخصیت قهرمانان داستان‌ها بررسی نماید؛ بنابراین، یک‌بار دیگر از دیدگاه فوق، گفتگوهای قهرمانان را تحلیل نموده که به تألیف مقاله حاضر منجر شد. البته لازم به ذکر است که در این نوشتار به دلیل ضیق مجال فقط به دو اثر از آثار کلاسیک دوره معاصر پرداخته شده‌است.

کلید واژه‌ها: تعارف، داستان، گفتگو (دیالوگ)، قهرمان داستان، شخصیت قهرمان

¹ - استادیار بنیاد دانشنامه نگاری ایران

مقدمه

تعارف و کاربرد آن در معنای خاص امروزی‌نش یکی از بخش‌های مهم فرهنگی است که در درک کیفیت روابط اجتماعی و استمرار مکالمات ایرانیان اهمیت بسیار دارد. در واقع، تعارف یکی از راهکارهای رعایت ادب است که با استفاده از آن جایگاه اجتماعی گوینده و طرف گفتگو برای ادامه مصاحبت - رسمی و غیر رسمی - و فهم پیام‌ها - گفتاری و غیر گفتاری - حفظ و ممکن می‌شود. از سوی دیگر، رعایت تعارف "به نیاز اجتماعی برای تولید و خلق یک نظم اجتماعی مشخص نیز پاسخ می‌دهد" (فاضلی، 1388) نظمی که به درک جایگاه‌ها و حفظ منافع دو سوی گفتگو منجر می‌شود و تعارف را به تفاهم می‌رساند. بنا بر این، بر خلاف نظر بیمن که تعارف را "تواضع تشریفاتی" (1986، 47) تعریف می‌کند صرفاً انجام تشریفات نیست. در درک عبارات تعارف آمیز بایستی توجه داشت که آنها بر بستری از عوامل محیطی اعم از سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی، تاریخی و مذهبی قرار گرفته‌اند که به واسطه همان عوامل، معانی متفاوت و خاص یافته و به قواعد نانوشته‌ای در رعایت حدود اجتماعی و نحوه مطالبه اغراض بدل گشته‌اند. هم‌چنین باید توجه داشت که معنی کلمات به تنهایی در فهم تعارف دخیل نیست بلکه هر کلمه در هم‌نشینی با سایر کلمات و جایگاهش در جمله و نحوه کاربرد آن و نیز مبتنی بر حال و مقام طرفین گفتگو معنا می‌یابد؛ چنان‌که در بیان تعارف "بنده کوچک شما هستم" مراد گوینده، معنی لغوی کلمه کوچک نیست بلکه از حیث حال و مقام و اوضاع و مکانات اجتماعی خود را از طرف گفتگو پائین‌تر و کوچک‌تر می‌شمارد. از همین معنای شناخت متقابل که ناظر بر معنی لغوی واژه تعارف است می‌توان به کاربرد سطوح مختلف مفهومی تعارف در پردازش شخصیت‌های داستان و نیز معرفی طبقات اجتماعی هر یک از شخصیت‌ها و افراد پی برد که تا حدودی برخاسته از جنبه‌های غیر زبانی تعارف است. در پردازش شخصیت‌های قهرمانان داستان توجه به جایگاه اجتماعی آنان و نوع زبان آنها بسیار مهم است زیرا که "تعارف ناظر به زمینه‌های تحقق یک ارتباط است" (پاکتچی، 1387) و غرض از گفتگوهای قهرمانان، ایجاد ارتباط برای استمرار حوادث داستان می‌باشد.

بحث

فارغ از معانی متفاوت تعارف در دوره‌های مختلف که متناسب با تطور شیوه زندگی انسان‌ها ذکر شده امروزه مراد از آن شناخت یک‌دیگر و رعایت مرتبه اجتماعی طرف گفتگوست که بیشتر بر پایه قواعد و روابط اجتماعی قابل دریافت است و چون سایر جملات و عبارات موجود در زبان بر پایه اصول دستوری قابل فهم نیست. به توضیحی دیگر، اختلاف زبان‌ها و در درون هر زبان اختلاف لغات و جملات از ترکیب اصوات و قواعد صرفی و نحوی پدید می‌آید؛ اما اختلاف در معنای واژگان (= معنی ثانوی) از اختلاف در اجزای فرهنگی حاصل می‌شود. عبارات تعارف‌آمیز و کاربرد آن در گفتگوهای روزمره نوعی کنش گفتمانی است. "کنش، چیزی است که منجر به تولید کارکرد نشانه - معنایی یعنی ارتباط دو جانبه بین صورت بیان و صورت محتوا می‌شود" (شعیری، 1388). با این تعریف، تعارف پلی ارتباطی میان تعلقات طبقاتی - اجتماعی افراد و مباحث زبانی - ادبی است؛ زیرا، ارزش معنا در ارتباط‌های کلامی در حوزه تعارفات فراتر از معنی لغوی و دستوری این قبیل جملات است؛ بدان سبب که بخشی از معنا بر یک زمینه زبانی حمل می‌گردد و باید در نظام پیچیده طبقات و روابط اجتماعی و نیز دانش معانی و بیان جستجو شود. در واقع، عبارات تعارف‌آمیز، قرینه صارفه برای گذر از معنی به معنایند. به بیانی دیگر، تعارفات معنایی از پیش معلوم نزد مخاطبان دارند (معنای اجتماعی) که ناظر بدان و حامل آنند و از این رو، نویسندگان داستان‌ها در آفرینش شخصیت قهرمانان خود از عبارات تعارف‌آمیز به عنوان یک شگرد نویسندگی بهره می‌جویند. در این مقاله قصد بر آن است تا با کمک داستان‌های فارسی نشان داده شود که چگونه استفاده از اشکال تعارف می‌تواند بر نگرش خوانندگان در باره شخصیت‌های داستان تأثیر بگذارد و این عبارات چقدر به نویسنده در پرداخت شخصیت‌های داستان‌ش یاری می‌رسانند.

کاربرد عبارات تعارفی یک وسیله برای نویسنده است تا هم اغراض خود را بیان کند و هم تا حدودی خواننده را با خود و با قهرمانان داستان در گفتگوها سهیم نماید. تعارف یک نظام (سیستم) کوچک در درون نظام بزرگ فرهنگ ایرانی است و از این رو، خود به تنهایی علائمی دارد که اهل زبان و فرهنگ آنها را به راحتی رمزگشایی کرده و در می‌یابند. در گفتگوهای شفاهی بازی بالحن صدا حامل بخشی از معناست که در آشکار کردن غرض گوینده و نمایاندن شخصیت خوب و بد یا محترم و نامحترم طرف گفتگو یاریگر است که ویرث (1979، 25) این شیوه را قانون سمعی - بصری می‌نامد. در گفتگوهای روزمره، اهل فرهنگ می‌توانند این علائم را رمزگشایی کرده و پیام‌های پنهان آن سوی کلمات را دریابند و بدین گونه جریان گفتگو، خواسته و ناخواسته، استمرار می‌یابد. اما در گفتگوهای داستان‌ها که به شیوه غیر صوتی و غیر بصری انجام می‌شود دو سطح محتوایی و بیانی وجود دارد. در سطح محتوایی تلاش نویسنده در انتقال پیام از طریق آفرینش تصاویر حسی است و در سطح بیانی تلاش خواننده است برای دستیابی به لایه زیرین معنی یا همان معنای مطلوب نویسنده. برای مثال، اگر یکی از شخصیت‌های داستان در حین صحبت کردن اشتباه کند این موقعیت یک تصویر حسی و یک صحنه طنزآمیز در سطح محتوایی ایجاد می‌کند؛ اما، کلمات و جملات او که معنای خاصی را به ذهن خواننده القا می‌کنند در سطح بیانی قرار می‌گیرند. تعارفات در هر دو سطح محتوایی و بیانی کارکرد دارند یعنی هم در پردازش شخصیت‌ها و هم در آفرینش تصاویر حوادث داستان عمل می‌کنند.

پیش از پرداختن به تحلیل داستان‌ها ذکر نکاتی ضروری است. حضور جملات تعارف آمیز و کاربرد گسترده آن نزد ایرانیان مانع از استعمال سبک غیر رسمی در گفتگو بالاخص در برابر بزرگترها و فرادستان جامعه می‌شود. حتی در شرایط برابر نیز کاربرد تعارف ضروری است و به میزان شناخت گوینده از مخاطب بستگی دارد. بنا بر این، در گفتگوهای میان افراد و از جمله شخصیت‌های داستان در نظر گرفتن چند چیز مهم است: 1- توجه به طبقه اجتماعی فرد مقابل اعم از فرادستی، فرودستی، همترازی 2- علائق شخصی که تعیین کننده انتخاب سبک مکالمه در چگونگی کاربرد کلمات و عبارات است؛ مثلاً کسی را عالی مقام یا دون پایه محسوب نمایند. علائق شخصی مبتنی بر شرایط حالی است. 3- هدف گوینده، گاه گوینده برای دستیابی به خواست خود با کاربرد تعارف، تعظیم و یا تحقیر مخاطب را در نظر دارد. البته، در تمامی گفتگوهای شفاهی، احترام و عاطفه با حرکات چهره و بدن همراه است.

با توجه به نکات فوق، افراد در اولین مرحله گفتگو با یک‌دیگر به کمک شاخص‌های سبکی ارتباط برقرار می‌کنند که این شاخص‌ها برخاسته از دیدگاه شخص نسبت به طرف مقابل است. به عبارتی دیگر، گوینده، پیام خود را در موقعیت‌های متفاوت اما متناسب با انتظارات اجتماعی هماهنگ می‌کند. این شیوه گفتگو همواره نشان دهنده موقعیت واقعی اجتماعی نیست. این نکته را از نظر دور نداریم که هر چند کاربرد تعارف برای همه اقشار اعم از فرادستان و فرودستان الزامی است ولی فرودستان و بزرگترها در انتخاب عناصر تعارف از آزادی عمل بیشتری نسبت به فرودستان و کوچکترها برخوردارند و حتی می‌توانند عناصری را برگزینند که جنبه رسمی و تشریفاتی آن کمتر باشد. حتی آنان می‌توانند به گونه ای گفتگو را ادامه دهند که اختلاف سن یا مرتبه اجتماعی خود را نقض کنند. نقض قرارداد اجتماعی گاه برای فرودستان و کوچکترها نیز امکانپذیر است زیرا "در آغاز گفتگو هر گروه با در نظر گرفتن موقعیت اجتماعی اش تصمیم می‌گیرد تا قواعد زبانی را انتخاب کند؛ سپس در طول گفتگو آنها همان سبک گفتاری را که متناسب با موقعیتشان است ادامه می‌دهند" (ستوده، 1344، 77-76). در نتیجه، کاربرد تعارف دلایلی را در بطن خود دارد که عبارتند از: 1- رعایت ادب متعارف در برخورد با همترازان 2- رعایت احترام در برخورد با فرادستان و بزرگترها 3- ترویج ادب متعارف در برخورد با فرودستان و کوچکترها. آنچه غیر ایرانیان را در علت کاربرد تعارف به اشتباه می‌اندازد اغراق در تعارف و یا کاربرد عبارات مبالغه‌آمیز در برخورد با همترازان و فرادستان است که تصور چاپلوسی را ایجاد می‌نماید؛ در حالی

که اغراق و مبالغه در تعارف یکی از نتایج برخاسته از دلایل فوق است که بایستی در تحلیل شخصیت‌های داستان بدان توجه داشت.

هدف در بررسی داستان‌های شیک پوش و توپ لاستیکی از بزرگ علوی و صادق چوبک آن بوده که آیا شخصیت‌ها با نشانه‌های به کار رفته در عبارات تعارفی، توصیف می‌شوند یا خیر؟ آیا کاربرد عبارات تعارف آمیز طبیعی بوده یا تصنعی؟ و آیا این عبارات در ایجاد و یا تغییر نوع ادبی داستان اثر داشته‌اند یا خیر؟

داستان شیک پوش از مجموعه "چمدان" اثر بزرگ علوی یکی از داستان‌هایی است که در آن تعارف به عنوان شگرد نویسندگی در معرفی شخصیت قهرمان داستان به کار رفته است. این داستان در باره جوانی متجدد است که بدون داشتن مدارک تحصیلی و فقط با خواندن کتب و نشریات و بالاخص با پوشیدن لباس‌های مد روز سعی دارد خود را شخص دانشمند و مبادی آداب جلوه دهد ولی عاقبت برای رسیدن به همین هدف با تحریک یکی از اطرافیان دست به انتشار مقاله‌ای می‌زند که بعد معلوم می‌شود با دریافت مبلغی، قصد تبلیغ برای تاجر داشته است. داستان با این جملات در معرفی قهرمان آغاز می‌شود: "آقای نوپور را نمی‌شناسید؟ ایشان از جوان‌های متجدد و منورالفکر و با ذوق هستند. راستی عرض می‌کنم بسیار فاضل و دانشمند و دارای فضایل ذاتی و اکتسابی می‌باشند. از نجات خانوادگیشان که چه عرض کنم تمام خصایل حمیده و صفات پسندیده در ایشان جمع است" (علوی، 2537، 69). داستان با توصیف قهرمان به وسیله خطاب محترمانه سوم شخص از دیدگاه یک مشتری کافه که آشنایی سطحی با قهرمان داستان دارد شروع می‌شود. کاربرد ضمیر جمع برای مرجع مفرد و نیز عبارت "عرض می‌کنم" شیوه‌ای است که در مکالمات به عنوان خطاب محترمانه در تعارفات برای فرادستان به کار می‌رود و راوی قصد دارد با آن احترام خواننده را نسبت به قهرمان داستان جلب نماید و البته آشکار نیست که آیا این خطاب، دیدگاه واقعی نویسنده است یا خیر؟ و آیا شخصیت قهرمان داستان همان است که توصیف می‌شود؟

داستان با همین شیوه ادامه می‌یابد. قهرمان داستان با عبارات تعارف آمیز راوی، دانشمند و دنیا دیده ترسیم و تصویر می‌گردد: "میل ندارم راجع به صورت ایشان بسط کلام بدهم، چه باطنشان پر از معنی و حقیقت بود و شرح آن را وظیفه حتمی و مسلم خود می‌دانم" (همان، 70). راوی با عباراتی چون "این طور آقای نوپور را به بنده معرفی کردند و این عبد ضعیف راقم این سطور باید تصدیق کنم" (همان، 69) اختلاف سطح اجتماعی خود را با قهرمان داستان نشان می‌دهد. استعمال تعارفات (بنده، عبد ضعیف) سبب ایجاد ذهنیت مثبت و پیشداوری خواننده در باب قهرمان داستان می‌گردد که وی بواقع از طبقه تحصیلکرده و فرادستان جامعه است که البته، ایجاد چنین ذهنیتی اولین هدف نویسنده است. در سطور آغازین معرفی قهرمان، عبارات تعارفی در شناساندن وی فراتر از حد معمول به کار رفته و هنوز مشخص نیست که استعمال این عبارات منجر به ایجاد کدام نوع ادبی می‌گردد.

قهرمان داستان سعی دارد با ظاهر آراسته و اظهار اطلاعات پراکنده در باره امور مختلف خود را فردی مجرب و مطلع بنمایاند و بدین سبب، راوی نیز با کاربرد جملات توأم با تعارفات اغراق آمیز، فضای طنز داستان را رقم می‌زند "ایشان همه هفته سر مبارکشان را اصلاح می‌فرمودند، ریش شریفشان را هر روز می‌تراشیدند، با دستمال ابریشمی چشم‌هایشان را پاک می‌کردند" (همان، 69). شایان توجه است که کمیت متزاید شاخص‌های تعارف در جملات داستان و تغییر در محل کاربرد آنها، حاکی از قصد و علاقه نویسنده برای ارتقاء ساختگی سطح اجتماعی قهرمان داستان و القاء دیدگاه خود به خواننده است تا در پایان حوادث به هدف خود یعنی نمایاندن شخصیت دروغین و فرودست قهرمان داستان نائل گردد. برای رسیدن به اهداف یاد شده حتی زمانی که راوی از قول بزرگان علم و ادب در باره مقاله نوپور سخن می‌گوید باز هم برای رعایت احترام از ضمائر جمع استفاده می‌کند تا

نشان دهد که توجه به طبقه اجتماعی فرد مقابل در انتخاب سبک مکالمه بسیار مهم است " من نمی دانم که چرا ایشان آنقدر لغات غیر مصطلح عربی استعمال کرده اند؛ خیلی از لغات را می توانستند به پارسی سره نوشته باشند" (همان، 80).

کثرت تعارفات، موقعیتی ساختگی و غیرطبیعی را ایجاد کرده که خواننده را به خوش بینی در باب شخصیت قهرمان داستان راغب می کند. " اما آنچه آقای نوپور، که از جوانان منورالفکر هستند، به منصفه ظهور رسانیدند به درجات بیش از آن بود که عموم از معظم له توقع داشتند" (همان، 77). و به همین شیوه داستان ادامه می یابد تا آن که راوی هنگام خرید پارچه متوجه می گردد که به سفارش صاحب مغازه، که از تجار پارچه است، نوپور مقاله ای در باب فواید خوش پوشی و ارزش پارچه های خارجی نوشته است.

در این داستان تأثیر ویژگی فرا زبانی تعارف در کمک به نویسنده برای شخصیت پردازی و ایجاد پیش داوری در ذهن مخاطب به نحو آشکاری خود نمایی می کند که حتی نویسنده را قادر ساخته خواننده را با دیدگاه خود همراه نماید. این داستان نمونه عالی کاربرد مبالغه آمیز تعارف به عنوان یک شگرد نویسندگی است که علوی به یاری آن یک اثر طنز خلق کرده است. داستانی که تمام حوادث، گفتگوها و معرفی قهرمانان فقط در قالب تعارفات روزمره با نادیده گرفتن ارتباط تعارفات با شخصیت ها ارائه می شود. اطلاعاتی که نویسنده از طریق تعارفات ارائه می کند علی رغم آن که بیش از نیاز خواننده است در تجسم شخصیت قهرمان داستان نقش بسزایی دارد. هر چند بعضی از تعارفات فاقد ربط عینی با قهرمان داستان می باشد ولی در ایجاد تصویر دلخواه راوی از شخصیت نامعقول و افراطی قهرمان داستان حائز اهمیت هستند. حفظ ابهام در فضای داستان با استفاده از عبارات تعارف آمیز سبب گشته که خواننده تا پایان داستان جهت دستیابی به حقیقت شخصیت قهرمان با راوی همراه باشد.

"توب لاستیکی" از مجموعه "انتری که لوطیش مرد" اثر صادق چوبک از جمله آثاری است که نویسنده با استفاده از تعارف در گفتگوی قهرمانان، مرتباً وجه خطاب را از فرادستی به همترازی و عکس آن تغییر می دهد و این گونه آشکار می سازد که انتخاب سبک عبارات تعارفی - رسمی و غیر رسمی - نشان دهنده تغییر دیدگاه های مخاطبان نسبت به یک دیگر است و گویندگان با انتخاب سبک در تغییر دیدگاه مخاطب سوم - خواننده اثر یا قهرمان دیگر - تأثیر می گذارند. هم چنین به کارگیری تعارفات - چه در سطح رسمی و چه در سطح غیر رسمی - نشان دهنده شخصیت قهرمانان داستان است که چگونه از سر ضعف شخصیتی و ترس از فرادستان خود، سبک کلامشان را تغییر می دهند و در واقع خود را در پس جملات تعارفی پنهان می کنند. فضای مبهم داستان که حاکی از نا معلوم بودن حادثه اتفاق افتاده است سبب استعمال شیوه های متفاوت گفتگو میان اعضای خانواده می گردد. چوبک در این اثر خود با استفاده از ویژگی های سبک های مختلف تعارف به خوبی از آن به عنوان یک شگرد نویسندگی در آفرینش و پردازش شخصیت های داستان و نیز جهت تأثیر بر خوانندگان استفاده کرده است.

توب لاستیکی شرح ماجرای در باره میرزا محمد خان دالکی است که در سمت وزیر کشور خدمت می کند. او یک روز صبح متوجه می شود که پاسبانی از شب قبل جلوی در خانه او ایستاده است. از فهمیدن این موضوع وحشت زده شده، می اندیشد که شاید به سبب ارتکاب خطایی نیروهای پلیس امنیتی قصد دارند او را دستگیر کنند. این ذهنیت او را سخت نگران و پریشان کرده با همسرش، مهتاب، و دامادش، سرتیپ مهدی خان ژوبین نژاد، گفتگو می نماید. اما در پایان معلوم می شود که پاسبان به دنبال توب لاستیکی پسرش آمده که روز قبل در خانه وزیر افتاده است.

در آغاز داستان، وزیر در برابر عکس شاه ایستاده و بدون این که بداند ماجرا چیست با جملات تعارفی بسیار محترمانه و فرودستانه در باره خودش سخن می گوید: " غلام خانه زاد تا کنون کوچکترین خلاف و تقصیری را مرتکب نشده ام... خاکسار

بیمقدار همواره کوشیده است که منویات مبارک را نصب العین قرار داده و آن چه را که ذات مبارک اراده فرمایند اجرا نماید" (چوبک، 2535، 118). با همین جملات تعارفی در آغاز داستان، شخصیت زبون و نوکر مآب وزیر به خواننده معرفی می شود.

وقتی که دالکی برای دامادش تلفن می کند تا از او بخواهد به نزدش بیاید چنین می گوید: "آلو، مهتی توئی؟ سلام. قربون تو. چرا دیر کردی؟ زود کجا بود؟ پاشو بیا دیگه. نه هنوز کسی نیومده، اما می خوام تو زودتر بیای." (همان، 139). در این گفتگو، دالکی با سبک غیر رسمی ابراز فروتنی می کند. زمانی که دامادش می رسد بسیار معمولی خطاب به دالکی و همسرش می گوید: "سلام ممد، چطوری؟ مهتاب جون خوبی؟ بچه ها خوبین؟" (همان، 146). ژوبین نژاد که از هیچ چیز اطلاع ندارد با سبکی غیر رسمی و همترازانه با پدرزنش صحبت می کند؛ اما، وقتی که دالکی می گوید که پاسبانی از شب قبل جلوی در خانه او ایستاده ناگهان ژوبین نژاد به طرز ماهرانه ای سبک گفتارش را با انحراف از سبک طبیعی با عناصر عامیانه همراه کرده و نیمه رسمی چنین می گوید: "اگه خدای نخواسه با شما کار داشته باشن چرا باید نوکر شما رو دورش کنن؟" (همان، 151). در ادامه گفتگوها ژوبین نژاد بسیار جدی و اداری می گوید: "این موضوع ثابت شده که تا به حال هرکس رو دستور توقیف فرموده اند خیانتشان مسلم و محرز بوده. مسأله شما هم به این سادگی که خودتون خیال می کنین نیست. حتماً علتی داره. حالا خودتون هم نمی دونین بنده چه عرض کنم. شاید فکر کنین کم کم یادتون بیاد." (همان، 154). در این جملات سبک خشک و جدی همراه با استفاده از ضمیر انعکاسی "خودتون" نشان می دهد که ژوبین نژاد دیگر خود را از نزدیکان دالکی نمی خواهد به حساب بیاورد و با عبارت توأم با تعارف "دستور توقیف فرموده اند" شخصیت دورو، ترسو و نوکر مآب خود را نشان می دهد. به کمک عبارات "حتماً علتی داره ... بنده چه عرض کنم" نه تنها نویسنده چرخش شخصیتی ژوبین نژاد را در پس این تعارفات نشان می دهد بلکه آشکار می سازد که او تلویحاً پدرزن خود را مجرم می داند. دالکی در پاسخ با زبان نیمه رسمی تعارف آمیز می گوید: "حالا که شما باور نمی کنین حرف زدن چه فایده داره؟" (همان، 154). کاربرد فعل "نمی کنین" به جای "نمی فرمایید" بدان علت است که دالکی نمی خواهد خود را برابر دامادش فرودست جلوه دهد ولی آشکار می کند که او نیز سبک صمیمی و همترازانه را مانند دامادش به سبک نیمه رسمی تعارف تغییر داده است.

این سبک گفتگو میان دالکی و دامادش ادامه می یابد و حتی وقتی که برادرزنش - سرهنگ سوسو - از راه می رسد با همین سبک با وی سخن می گوید تا آنجا که حتی سبک سخن برادرزنش با دور شدن از سبک طبیعی به خطاب رسمی و اداری بدل می شود. دالکی به برادرزنش می گوید: "شما از کجا خبر دار شدین؟ قربان تیمسار به بنده فرمودند" (همان، 163). زمانی که پسر دالکی، خسرو، از ماجرا مطلع می شود عبارات او خطاب به سرهنگ سوسو هر چند توأم با عصبانیت ولی همراه با تعارفات معمول است که حاکی از شخصیت مؤدب اوست: "شما چرا باید یک همچو مأموریتی رو قبول کنید؟ شما که گوشت و استخونتون از باباجونه." (همان، 171).

آخرین گفتگوها میان دالکی و پاسبان که اکنون وارد خانه شده از حیث کاربرد تعارفات بسیار درخور توجه است. دالکی بسیار رسمی و مهربان خطاب به پاسبان می گوید: "خب، من حاضرم. چه فرمایشی داشتید؟" (همان، 181). در اینجا گویی دالکی در مقابل مقام مافوق خود قرار گرفته است. شکل خطاب او که از علائق شخصی گوینده برمی خیزد هم کاربرد دوستانه دارد و هم فرودستانه، که به خوبی شخصیت در هم ریخته و نگران دالکی را تصویر می کند. پاسبان در پاسخ به همان سبک اداری و رسمی و بسیار محترمانه، دالکی را مورد خطاب قرار می دهد که در آغاز، دالکی با عکس شاه صحبت می کرد. "قربان، چه عرض کنم؟ شرمندگی غلام خانه زاد بالاتر از اینهاست که جسارت گفتنشو داشته باشم" (همان، 181). در پایان داستان وقتی دالکی می فهمد که پاسبان برای گرفتن توپ لاستیکی پسرش از شب گذشته در جلوی در خانه او ایستاده است عصبانی شده به او ناسزا می گوید.

در این داستان به خوبی آشکار شد که چگونه علائق شخصی و موقعیت‌ها سبب تغییر در سبک کاربرد تعارفات می‌شوند و چگونه نویسندگان می‌توانند از سبک‌های مختلف تعارف در شخصیت‌پردازی قهرمانان داستان بهره ببرند؛ چنان که چوبک با استفاده از همین سبک‌های مختلف و کاربرد طبیعی آن بر زبان قهرمانان داستان، خواننده را نسبت به شخصیت تیمسار و وزیر کشور متنفر نمود و از سویی دیگر، با توجه به بی‌اطلاعی وزیر از حادثه و پریشان حالی او، حتی حس دلسوزی را در خواننده نسبت به او ایجاد کرد. چوبک با چرخش سبک تعارفات از همترازی به فرادستی و فرودستی و نیز مبهم نگه داشتن اصل حادثه، تلاش می‌کند تا خواننده را به آنچه خود می‌خواهد به تفکر وادارد و سرانجام نوع ادبی داستان را به یاری تعارفات از تراژدی به کمدی تغییر دهد.

نتیجه گیری

چنان که بررسی شد تعارف یکی از اجزاء پر کاربرد فرهنگی در ایران است که جهت برقراری ارتباط با دیگران و دریافت اندیشه طرف گفتگو و تأثیر بر آن و نیز انتقال پیام به گونه‌ای مقبول چه در برخوردهای روزانه و چه در گفتگوهای قهرمانان داستان استفاده می‌شود. از آغاز داستان نویسی در دوره معاصر، نویسندگان ایرانی به استفاده از جملات تعارفی به عنوان یک شگرد در پردازش شخصیت‌ها توجه داشته و از آن آگاهانه بهره برده اند. تعارف یکی از شیوه‌هایی است که گوینده به راحتی با استفاده از آن می‌تواند شخصیت واقعی خود را پنهان یا آن را دیگرگونه جلوه دهد و یکی از شگردهایی است که نویسندگان در پردازش شخصیت قهرمانان و افزایش و کاهش اثر مطلوب داستان قادر می‌سازند. نکته قابل ملاحظه در داستان‌های ذکر شده آن بود که تعارفات، میان اشخاص تحصیل کرده و صاحب رتبه و مقام اجتماعی رواج بیشتری دارد زیرا، توجه به رعایت نظم در تمام سطوح و نیز عوامل محیطی خاستگاه آنان ایجاب این استعمال را افزون نموده و می‌نماید.

پی‌نوشت‌ها

- 1- نعمت الله فاضلی، آیین، شماره 26 و 27، بهمن و اسفند 1388
- 2- محمد دانشگر، نامه پارسی، شماره 25، تابستان 1381
- 3- منیر در کیچ، نامه پارسی، شماره 1 و 2، بهار و تابستان 1386
- 4- علی محمد پشت‌دار، نامه پارسی، شماره 48 و 49، بهار و تابستان 1388

منابع

- پاکتنچی، احمد، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 15، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، 1387
- چوبک، صادق، انتری که لوطیش مرد، تهران، جاویدان، 2535
- ستوده، منوچهر، فارسی برای انگلیسی زبانان، تهران، دانشگاه تهران، 1344
- شعیری، محمد رضا، مبانی نظری تحلیل گفتمان رویکرد نشانه‌شناختی، پژوهشگاه فرهنگستان هنر، شماره 12، بهار 1388
- علوی، بزرگ، چمدان، تهران، امیر کبیر، 2537
- فاضلی، نعمت الله، آیین، شماره 26 و 27، بهمن و اسفند 1388
- W.O Beeman, Language, Status and Power in Iran, Bloomington, 1988
- Ta'ziyeh, Ritual and Drama in Iran, ed. A. Wirth, "Semiological Aspect of the Ta'ziyeh" in Peter J. Chalkowski, New York, 1979

Archive of SID